



پروفسور حسین آذرنگی

تاریخ نشر

● تاریخ نشر کتاب در ایران (۷) / عبدالحسین آذرنگ

جنبش مشروطه‌خواهی و تأثیر آن بر نشر

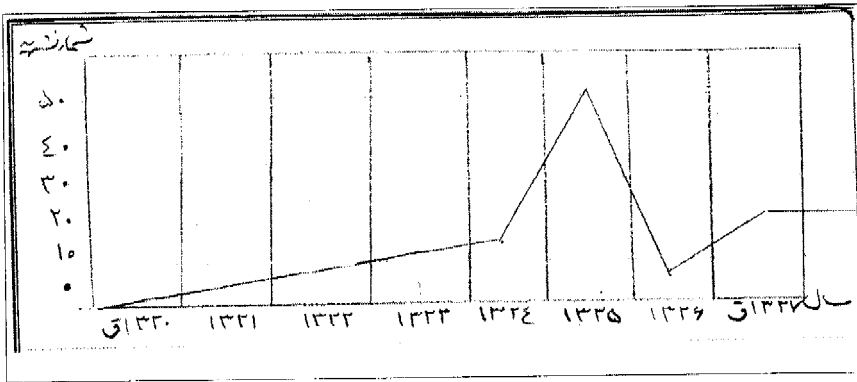
جنبش‌های فکری، نخستین تأثیرهایش را بر رسانه‌های ارتباطی می‌گذارد و نشر می‌تواند بازتاب‌گویی از این‌گونه تأثیرها باشد. در آمیختگی جنبش‌ها و رسانه‌ها تا بدان پایه است که مرز تأثیرها را در آنها نمی‌توان با دقت ترسیم کرد، و گاه این مرزها به قدری نامشخص است که نمی‌توان معلوم کرد کدام تأثیرگذار و کدام تأثیرپذیر است. تأثیرهای متقابل اینها برهم و تعامل آنها طی زمان به گونه‌ای است که گویی با هم و درهم قوام می‌یابند. رسانه‌هایی که بر جنبش تأثیرهای کارآمدتری بگذارند، خود به رسانه‌های کارآمدتری تبدیل می‌شوند. هر رسانه‌ای در خلال جنبش در پی آن است که توان خود را از قوه به فعل درآورد، به امکانات نهفته خود پی‌ببرد، و با بیشترین سرعت و حداکثر پوشش، پیام را به مخاطبان خود انتقال دهد. جنبش‌ها سرنوشت‌های متفاوتی می‌یابند، و هر کدام عمر معینی دارند، اما رسانه‌هایی که با آنها و در آنها تنیده شدند، گاه از نو زاده یا بازتعریف می‌شوند. جنبش‌ها در عین حال، سرفصل‌ها، سرچشمه‌ها، سرآغازها، پیچ‌های رسانه‌هاست. جنبش مشروطه‌خواهی در ایران، از زمان بسته شدن نطفه‌اش در عصر حکومت استبدادی ناصرالدین‌شاه، تا پایان بدفرجامش در استبدادی دیگر، سرچشمه، سرآغاز، و دگرگون‌کننده بسیاری چیزها، از جمله رسانه نشر بود.

افزایش شمار چاپخانه‌ها، به ویژه به قصد انتشار روزنامه؛ رونق گرفتن نمایشنامه و اجرای نمایش‌های تئاتری؛ افزایش ترجمه به نسبت تالیف؛ رواج پدیده شب‌نامه‌نویسی و

نشر و پخش مخفیانه انواع شب‌نامه‌ها به ویژه از سوی انجمن‌های سرّی در نقاط مختلف کشور؛ و رواج گرفتن رسانه روزنامه به نسبت کتاب در دوره جنبش مشروطه‌خواهی، مهم‌ترین رویدادهای عرصه نشر است که به آنها اشاره می‌کنیم. این توضیح هم لازم است که رسانه «روزنامه» در آن دوره فقط به نشریه‌ای که روزانه منتشر می‌شد، اطلاق نمی‌گردید. به انواعی از نشریه‌های ادواری با تناوب‌های متفاوت زمان نشر «روزنامه» می‌گفتند. در واقع نشر مجلات هم در قلمرو معنایی این اصطلاح قرار می‌گیرد. همان‌طور که پیش‌تر، در مقاله‌های قبلی اشاره شد، جنبش‌ها کاربرد، حتی کارکرد، و جایگاه رسانه‌ها را تغییر می‌دهند.

نوع و تنوع پیام‌ها، خبررسانی، حجم مطالب، سرعت، نوع ارتباط با گروه‌های هدف (مخاطبان)، بهای رسانه، امکانات و شبکه‌های حمل‌ونقل و پخش، از جمله عنصرهای تأثیرگذار بر جایگزین شدن رسانه‌هاست. اگر از کاربرد کتاب کم، و بر کاربرد روزنامه در آن دوره افزوده شده است، دلایل آن را باید در رابطه و تناسب میان جنبش و رسانه‌ها جست.^۱ در عصر مظفری، ۵۶ نشریه جدید انتشار یافت.^۲ در آستانه پیروزی انقلاب مشروطیت، شمار روزنامه‌های آزاد و مردمی به سرعت رو به افزایش نهاد. در ۱۳۲۴ ق، سال پیروزی انقلاب، بیش از ۱۴ روزنامه فقط در تبریز منتشر می‌شد و روزنامه انجمن با شمارگان ۵۰۰۰ نسخه در آن شهر انتشار می‌یافت.^۳ در ۱۳۲۵ ق، ۷۷ روزنامه در ایران منتشر می‌شد که ۴۸ عنوان آن در تهران، ۸ عنوان در اصفهان، ۷ عنوان در رشت، ۳ عنوان در همدان و بقیه در نقاط دیگر به چاپ می‌رسید.^۴ برآورد شده‌است که در آغاز استقرار مشروطیت، شمار نشریه‌های فارسی در ایران ۵ برابر افزایش یافته بود.^۵ از آغاز انتشار کاغذ اخبار، نخستین روزنامه‌ای که به زبان فارسی در عصر قاجار انتشار یافت، تا انقراض قاجاریه جمعاً ۹۶۷ نشریه، تقریباً سالی ۱۰ عنوان، منتشر شد، اما بیشترین سرعت و شمار مربوط به موج دوم انقلاب مشروطه است که به سقوط حکومت محمدعلی شاه (سال‌های حکومت: ۱۳۲۴-۱۳۲۷ ق) انجامید. گفته شده است در این موج، ۱۷۶ نشریه متولد شد، و در مدت ۵ سال از ۱۳۲۵ تا ۱۳۳۰ ق نزدیک به ۳۷۰ روزنامه و مجله تازه در ایران منتشر شده است.^۶ نیاز به چاپ روزنامه به قدری فزونی گرفت که تولید چاپی چاپخانه‌ها به تخمین تا ۱۰ برابر

۱. برای فرضیه‌های مربوط به علت افزایش و کاهش نشریه‌ها در دوره مشروطیت، نک: شومانی، سیاوش، «تحلیل آماری مطبوعات ایران از عصر مظفرالدین‌شاه تا سقوط قاجار (۱۳۴۳ق-۱۳۱۳ق)»، پیام بهارستان، دوره دوم، سال اول، شماره چهارم (تابستان ۱۳۸۸)، ص، ۱۰۶۴-۱۰۶۶.
۲. شومانی، سیاوش، «تحلیل آماری...»، ص ۱۰۵۹.
۳. ناهیدی آذر، عبدالحسین، تاریخچه روزنامه‌های تبریز در صدر مشروطیت (تبریزی بی‌تا)، ص، ۳۶-۳۷.
۴. ذاکر حسین، عبدالحجیم، مطبوعات سیاسی ایران در عصر مشروطیت (تهران، ۱۳۶۸)، ص، ۵۲.
۵. شومانی، سیاوش «تحلیل آماری...»، ص، ۱۰۶۰.
۶. شومانی، سیاوش، «تحلیل آماری...»، ص، ۱۰۶۳، «تاریخچه معارف ایران»، تعلیم و تربیت، سال ۴، ش، ۹، (دی ۱۳۱۳)



• نمودار افزایش شمار نشریات در سال پیروزی انقلاب مشروطه و پس از آن

افزایش یافت.^۱ و با این حال باز هم پاسخ‌گوی نیازها نبود. روزنامه‌هایی که در میان مردم نفوذ داشتند و مردم به انتظار نشر و پخش آنها می‌نشستند، هیچ کدام دولتی یا برخوردار از کمک‌های دولتی نبودند.^۲

بر پایه فهرست مطبوعات قاجار، فهرستی که سید فرید قاسمی، تاریخ‌نگار مطبوعات از موجودی کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی در قم، یکی از بزرگ‌ترین کتابخانه‌های کشور، تهیه کرده و داده‌های کتابشناختی آن فهرست را با ۴ منبع پایه در تاریخ مطبوعات مطابقت داده است، نمودار زیر را می‌توان ترسیم کرد که رابطه میان سال‌های پیروزی دو موج انقلاب مشروطه و شمار نشریه‌ها را نشان می‌دهد.^۳

۵۱۲

افزایش شمار نشریه‌ها با افزایش شمار چاپخانه‌ها و افزایش سطح تولید چاپی همخوانی داشت. در عصر مظفری چند چاپخانه جدید به ایران وارد شد. مظفرالدین شاه در سفر دوم خود به فرنگ، یک دستگاه چاپ سربی خرید. چاپخانه خورشید حدود ۱۳۲۰ ق در خیابان ناصریه تهران (ناصرخسرو کنونی) تأسیس شد و شماری روزنامه در این چاپخانه غیر دولتی به چاپ می‌رسید.^۴ چاپ گراوری به جای روش رایج در چاپ تصویر به کار گرفته شد. روزنامه‌های شرف و شرافت که از حیث تصویر و جنبه‌های فنی چاپ در شمار

۱. قاسمی، سیدفرید، «رسانه‌های مشروطه‌ساز»، صنعت چاپ، ش ۲۲۸ (مرداد ۱۳۸۸)، ص ۳۷.

۲. قاضی‌زاده، علی‌اکبر، «نخستین قانون مطبوعات: زمینه‌ها، انگیزه‌ها و آثار»، پژوهشنامه تاریخ مطبوعات ایران، سال اول، شماره اول، (۱۳۷۶)، ص ۶۵۴-۶۷۰.

۳. نک: قاسمی، سیدفرید، فهرست مطبوعات قاجار: موجودی کتابخانه بزرگ آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی (قم، ۱۳۸۸).

۴. منابع پایه تاریخ مطبوعات: (۱) رابینو، صورت جراید ایران... (۲) تربیت-براون، تاریخ مطبوعات و ادبیات ایران؛ (۳) صدر هاشمی، تاریخ جراید و مجلات ایران؛ (۴) قاسمی، راهنمای مطبوعات ایران عصر قاجار (۱۲۵۳ ق ۱۳۰۴ ش). در شماری از منابع، آمارهایی درباره تعداد نشریه‌های دوره مشروطه ذکر شده است، اما چون ماخذ آمارها مشخص یا قابل اعتماد نیست، نمی‌توان به آنها استناد کرد. فهرست... قاسمی اگر چه همه مطبوعات قاجار را در برنمی‌گیرد، اما چون بر بررسی و مطابقت مبتنی است، می‌تواند مبنای مطمئنی برای تحلیل‌های آماری‌تر باشد.

نفیس‌ترین آثار چاپی قرار می‌گیرد، با کاربرد فن‌آوری تازه وارد شده چاپ گراوری منتشر می‌شدند.^۱ چاپخانه‌ای سربی با سرمایه بخش خصوصی و به منظور چاپ کردن روزنامه در ۱۳۲۴ ق در تهران دایر شد که با نام چاپ سربی شرقی فعالیت می‌کرد.^۲ این چاپخانه‌ها پس از فروکش کردن تب روزنامه‌نگاری و کاهش تقاضا برای روزنامه، به چاپ کتاب و سایر فعالیت‌های چاپی روی آوردند. چاپخانه مجلس شورای ملی که نخست با نام «مطبعة مجلس» فعالیت می‌کرد، تأسیس آن در سومین جلسه مجلس اول، در ۱۳۲۵ ق/ ۱۲۸۵ ش، به منظور انتشار متن مذاکرات مجلس و انتشار روزنامه مجلس تصویب شد.^۳ هدف‌ها و وظایف این چاپخانه بعدها به تدریج تغییر کرد که در ادامه به آن اشاره خواهد شد.

زمینه دیگری که اشاره به آن لازم است، ترجمه نمایشنامه‌های فرنگی به فارسی و اجرای آنهاست. در مقایسه با تألیف، یا ترجمه در حوزه‌های مختلف، شمار نسبتاً زیادی از مترجمان به ترجمه نمایشنامه دست‌زدند و در عصر مشروطیت مترجمان بزرگی همچون ابوالقاسم خان قراگزلو (ناصرالملک)، یوسف اعتصامی (اعتصام‌الملک) و محمد علی فروغی (ذکاءالملک دوم) هم نمایشنامه ترجمه کردند. قراگزلو دو اثر از شکسپیر، اعتصامی اثری از شیلر، و فروغی نمایشنامه‌ای از مولیر ترجمه کرد. محمد طاهر میرزا، عبدالحسین میرزا (مویدالدوله)، محمدعلی میرزا (حشمت‌السلطان)، و میرزا ابراهیم خان از جمله دیگر مترجمان بوده‌اند. محمدطاهر میرزا، مترجمی توانا و صاحب قلم بود و ترجمه‌های او از آثار برجسته نثر فارسی در عصر پسین قاجاری به شمار می‌آید. ترجمه میرزا ابراهیم خان، که با ستایش محمدعلی فروغی روبه‌رو بوده از لحاظ سیاسی در خوانندگان و تماشاگران اجرای نمایشی آن تأثیرگذار بوده است.^۴

در همین دوره نخستین زنی که در تاریخ ترجمه در ایران به ترجمه نمایشنامه دست زد، تاج‌ماه خانم، نیز معروف به آفاق‌الدوله است. همسر او فتح‌الله خان ارفع‌السلطنه از خان‌های طالش بود. تاج‌ماه خانم در ترجمه نمایشنامه‌ای با عنوان نامه نادری از ترکی به فارسی، از واژه‌ها و ترکیب‌های فارسی استفاده کرده است.^۵

گزارش‌هایی که از اجراهای نمایشی در عصر مشروطیت به دست ما رسیده است، و استقبال گسترده مردم از آنها، گواه دیگری بر این است که تجمع و مخاطبان جمعی در دوره‌های جنبش اجتماعی، با آن شاخه‌ای از نشر که مخاطبان آن فرد است و تأکید آن بر

۱. نفیسی، سعید، «صنعت چاپ مصور در ایران»، پیام نو، سال ۲، ش ۵ (فروردین ۱۳۲۵)، ص ۲۷.
۲. میرزای گلپایگانی، تاریخ چاپ و چاپخانه در ایران، ص ۷۷-۷۸.
۳. افراسیابی، هما، «مطبعة مجلس و منشورات آن»، پیام بهارستان، دوره ۲، سال اول، ش ۳ (بهار ۱۳۸۸)، ص ۲۳.
۴. ملک‌پور، جمشید، ادبیات نمایشی در ایران (تهران، ۱۳۶۳)، ج ۱، ص ۳۰۶-۳۰۹ (چاپ دوم این کتاب در ۱۳۸۵، در ۳ جلد انتشار یافته است؛ درباره مترجمان نمایش‌نامه و اجراهای نمایشی، نیز می‌توانید اطلاعات سودمندی در این کتاب بیابید: آژند، یعقوب، تجدد ادبی در دوره مشروطه (تهران، ۱۳۸۵)، ص ۳۴۷ به بعد.
۵. «تاج‌ماه» (۱)، در: دایرة المعارف زن ایرانی (تهران، ۱۳۸۲)، ج ۱، ص ۳۱۶-۳۱۷.

فعالیت انفرادی خواندن است، رقابت می‌کند. روزنامه‌ها می‌توانند زمینه‌های گسترده‌ای برای گفت‌وگو و بحث میان قشرهایی از مردم فراهم آورند. اجراهای نمایشی می‌تواند تأثیری مشترک و همزمان بر جمع حاضر بگذارد، کاری که از آن شاخه رسانه نشر ساخته نیست. این الگو را به شیوه‌های مختلف در تاریخ مدرن همه کشورهای، از جمله در ایران، و تکرار آن را در جنبش‌های اجتماعی می‌توان دید. بنا بر این قاعده است که در عصر مشروطیت، از دوره‌ای که جنبش سیر صعودی خود را آغاز می‌کند، تا دوره‌ای که به نقطه فرود می‌رسد، رقابتی میان شاخه‌ای از نشر که بر نشر فرهنگی-اجتماعی تأکید دارد، نه بر نشر علمی و پژوهشی و تخصصی و گاه اعتقادی، با رسانه‌هایی برقرار است که بتوانند با امکانات بیشتری پیام‌ها را به مخاطبان بیشتری برسانند، و بر مخاطبان خود تأثیر گسترده‌تری بگذارند.^۱

تأثیری که روزنامه‌ها و اجراهای نمایشی بر مخاطبان وسیع خود می‌گذاشت، پیداست که از عهده رسانه کتاب بر نمی‌آمد.

شب‌نامه، دیگر رسانه رقیب

فشاری را که اختناق و سانسور عصر ناصری بر آزادی و انتقال اندیشه وارد می‌ساخت، و در عصر مظفّری نیز کم‌وبیش ادامه یافت، با واکنش فورانی محتوای نوشته‌های مخفیانه‌ای می‌توان سنجید که از راه‌های غیررسمی و غیرقانونی تکثیر، و در سراسر کشور و به تناسب سطح فرهنگ عمومی در نواحی مختلف، پنهانی پخش می‌شد. پخش گسترده شب‌نامه‌ها در ولایات به روشنی نشان می‌دهد که شبکه گسترده‌ای از پخش‌گران دست در کار بوده‌اند، هر چند که اطلاعات مستند درباره این شبکه فعلاً در دست نیست.

انجمن‌های سری که در انتشار و پخش شب‌نامه‌ها نقش اصلی و مؤثر داشتند، تنها عاملان نبودند، بلکه شمار بسیاری از مردم، بی‌آنکه عضو آن انجمن‌ها بوده باشند، به‌طور خود انگیزه مطالبی درباره مسائل مختلف، به ویژه در انتقاد از وضع سیاسی موجود یا بر ضد مخالفان خود، یا کسانی که از آنها جور و ستم دیده بودند، می‌نوشتند و به صورت اعلان به درودیوار معبرها و مکان‌های عمومی می‌چسبانی‌دند.^۲

۱. درباره رابطه میان جنبش‌ها و رسانه‌ها، نک:

Barker - Pulmer, B. The Dialogic of Media and Social Movements, *Peace Review*, Vol 8, No. 1 (March 1996), pp. 27-33 ;

Gomson, W.; Wolfsfeld, G., Movements and Media as Interacting Systems, *Annals of American Academy of Political and Social Science*, Vol. 258 9(Jul 1993), PP.114 - 125

۲. شمار فراوانی از شب‌نامه‌های عصر مشروطه از میان رفته است. گردآوری شب‌نامه‌های بازمانده هم کار بسیاری دشوار است، و از عهده یک یا چند تن ساخته نیست. شماری از شب‌نامه‌ها، یا مفاد آنها، در برخی منابع آمده است. در هر حال تا مجموعه قابل توجهی از شب‌نامه‌های عصر مشروطه گردآوری و تحلیل محتوایی نشود، نکته‌های مجهول بسیاری همچنان مجهول باقی خواهد ماند. برای اطلاعات دقیق‌تر و تفصیلی‌تر در این باره نک:

البته انجمن‌های سری پیشینه‌ای دیرینه‌سال در تاریخ ایران دارند، و اگر نخواهیم به عصر کهن یا به جنبش‌های تازی ستیزانه بازگردیم، نمی‌توانیم از فعالیت‌های گسترده و نهان‌روش محفل‌های اسماعیلی در عصر حسن صباح و جانشینان فعال او یاد نکنیم. انجمن‌های سری عصر مشروطه با هدف‌ها و به شیوه‌های مختلف تشکیل شده بودند و فعالیت می‌کردند. شماری از آنها در راه بیدار کردن ایرانیان و روشن‌گری ذهن‌ها دست به عمل می‌زدند. انجمن معارف در تهران و انجمن سری در اصفهان از بارزترین آنهاست. انجمن مخفی به نام کمیته انقلابی، که در ۱۳۲۲ ق تشکیل شده بود، از صنف‌های مختلف عضو گرفت، در لایه‌های مختلف جامعه نفوذ کرد و آرمان‌های آزادی‌خواهانه و مشروطه طلبانه را به گونه‌ای گسترده انتشار داد.

انجمن مخفی در تبریز که با نام مرکز غیبی فعالیت می‌کرد، با انقلاب‌گران و دموکرات‌های باکو ارتباط داشت. شعبه‌های این مرکز در آذربایجان و گیلان فعال بود و مرکز غیبی شب‌نامه‌هایش را در چاپخانه‌های مخفی خود تکثیر، و دیدگاه‌ها و تحلیل‌هایش را از اوضاع از راه همین شب‌نامه‌ها انتشار می‌داد.^۱

شماری از شب‌نامه‌ها هم خارج از کشور تکثیر می‌شد و از راه‌های مختلف به ایران می‌رسید و در ولایات پخش می‌شد. بیان بی‌پرده، انتقادهای کوبنده، سخنان گزنده، ادبیات انقلابی، اندیشه‌های اصلاح‌طلبانه، رهنمودها، دستورالعمل‌ها، و بسیاری نکات دیگر در اینها هم به چشم می‌خورد، و گاه بدون پاره‌ای ملاحظات و محدودیت‌های شب‌نامه‌های داخلی. نشر رسمی و مجاز هیچگاه نمی‌توانست بازتاب مکنونات درونی جامعه باشد. از این روست که در همه جنبش‌ها، به‌ویژه در جنبش‌های سیاسی-اجتماعی، رسانه‌ای به رقابت با همه رسانه‌های دیگر برمی‌خیزد که بتواند مکنونات درون جامعه را بدون مانع بیان کند. به همین دلیل برای پی بردن به آن دسته از مکنونات جامعه که در منابع انتشار یافته بازتاب ندارد، شب‌نامه‌ها و رسانه‌های همانند آنها می‌توانند مناسب‌ترین منابع مطالعه باشند. نیز این نکته را در نظر داشته باشیم که تصمیم‌گیری‌های رهبران جنبش مشروطه از محتوای آزادانه بیان‌شده شب‌نامه‌ها تأثیر می‌گرفت، و چه بسا اقداماتی نتیجه فشاری بود که افکار عمومی از راه شب‌نامه‌ها وارد می‌ساخت.^۲

بررسی شب‌نامه‌های موجود نشان می‌دهد که به چند روش تکثیر شده‌اند، اما روش غالب، تکثیر ژلاتینی بود که بسیار ساده و ارزان قیمت تمام می‌شد و به ابزار فنی پیچیده یا آموزش خاصی نیاز نداشت. عاملان تکثیر با مختصر تمرینی می‌توانستند شب‌نامه‌ها را تکثیر کنند. از چاپ مخفی شب‌نامه‌ها مهم‌تر، پخش آنها و شبکه پخش‌گران بود که می‌توانستند

1. Bayat, Mangol, Anjoman (1): Political, in: *Encyclopedia Iranica*, Vol.20, PP. 77-80

۲. برای توضیحی در این باره، نک: ناظم‌الاسلام کرمانی، تاریخ بیداری ایرانیان، ج ۴، به کوشش علی‌اکبر سعیدی سیرجانی (تهران، ۱۳۶۲)، ص ۲۸۴ ۲۹۱.



• عبدالحسین آذرنگ

دور از تفتیش نیروهای حکومتی و نگاه خبرچینان، آنها را در سراسر ولایات پخش کنند. کارآمدی در سرعت پخش، با توجه به ابزارهای ارتباطی و امکانات مواصلاتی آن زمان، در خور تأمل است.^۱

شب‌نامه‌ها یکی از انواع محصولات «نشر مخفی» است، نشری که پس از رواج فن‌آوری چاپ، در بسیاری از کشورها، به ویژه در کشورهایی که آزادی بیان در آنها تضمین نمی‌شد، پدید آمد. این گونه نشر اهمیت فوق‌العاده‌ای برای مطالعات سیاسی-اجتماعی و عقیدتی و اعتقادی دارد. نشر مخفی در ایران پسا مشروطه به شکل‌ها و در دوره‌های مختلف ادامه یافت و در دوره پهلوی دوم چند بار وسعت گرفت. (در مقاله‌های آینده به آن اشاره خواهیم کرد).

نشر پسا مشروطه

مدت کوتاهی پس از پیروزی انقلاب مشروطیت در ۱۳۲۴ق، مظفرالدین شاه درگذشت و پسرش محمدعلی میرزا (سال‌های حکومت: ۱۳۲۴-۱۳۲۷ق) جای او را گرفت. دوره‌ای از حکومت او که به «استبداد صغیر» معروف است، فقط دوره سیاه سیاسی نبود، دوره

۱. برای آگاهی بیشتر درباره شب‌نامه‌ها، نک: کهن، گوئل، تاریخ سانسور و مطبوعات ایران (تهران، ۱۳۶۲)، ج ۲، ص ۲۲ به بعد و ص ۴۲۳ به بعد؛ برای اطلاع درباره اعلان‌ها و اعلامیه‌ها در عصر قاجار، نک: رضوانی، محمداسماعیل، «اعلان‌ها و اعلامیه‌های دوره قاجار» بررسی‌های تاریخی، سال ۵، ش ۲ (خرداد تیر ۱۳۴۹)، ص ۲۵۹-۲۶۴.

سیاه نشر و نیز دوره سنگین اختناق بود که بر همه جنبه‌های فرهنگی تأثیرهای بازدارنده داشت. استبداد، با بحران در اداره کشور، شدت گرفتن تنگناها و فشارهای اقتصادی، و احساس نایمی گسترده در جامعه همراه بود،^۱ معلول‌هایی که خود به عنوان عامل‌های منفی نشر عمل می‌کرد و زنجیره آنها تأثیرهای ویران‌گر دیگری داشت. مداخله‌های آشکار نیروهای خارجی در امور ایران، که یکی از مصداق‌های بارز آن قرارداد ۱۹۰۷ بود، قراردادی که حدود یک سال پس از پیروزی انقلاب مشروطه میان دو قدرت استعمارگر منعقد شد، همراه با اغتشاش‌های داخلی، که صاحب‌قدرتان استبدادخواه به آنها دامن می‌زدند، رؤیای شیرین برقراری حاکمیت قانون و استقرار آزادی را به کابوسی هولناک مبدل کرد. سال‌های پس از انقلاب مشروطیت، به ویژه دوره مقارن با جنگ جهانی اول (۱۹۱۴-۱۹۱۸) با تأثیرهای گسترده آن جنگ بر همه نقاط جهان، از جمله بر ایران، در شمار دشوارترین دوره‌ها در تاریخ ایران است. سرخوردگی و خستگی ملی، نومیدی، رکود و فقر اقتصادی، قحط‌و‌غلا و شیوع بیماری، احساس تحقیر ناشی از ناتوانی در مقابله با تجاوز و اشغال خارجی، فقر فرهنگی و بی‌سوادی، جامعه قطبی شده‌ای که بخش عمده آن ساختارهای سنتی خود را همچنان حفظ کرده، و بخش کوچک آن از ایجاد تحول و تجدید عاجز مانده بود، همراه با پیامدهای مستقیم و غیرمستقیم آنها، رمقی باقی نمی‌گذاشت تا سهمی، حتمی سهم کوچکی از آن، به تولید فرهنگی اختصاص یابد، و نشر هم بهره‌ای از آن برگیرد. ادبار و نکبت حاکم، تنها می‌توانست زمینه سیاسی-اجتماعی را برای شکل گرفتن و برآمدن قدرتی فراهم سازد که آرامش و امنیت، نظم، و زیستن در پناه تشکیلاتی با قدرت تصمیم‌گیری متمرکز را وعده می‌داد. رویدادهای پسا مشروطیت نشان داد که دست‌کم بخش‌هایی از جامعه، آن وعده‌ها را به امید بیرون رفتن از دوره‌ای پرادبار پذیرفتند، اما پذیرشی که یوغی را برداشت و یوغ سنگین‌تری را برگردن آنها و سایر آحاد ملت گذاشت.

آشنایی با حال و هوای پسا مشروطیت، با سلسله‌ای از رویدادهای سیاسی-اجتماعی، نشان می‌دهد چرا نشر در آن دوره، و به رغم آرمان‌هایی که جنبش مشروطه‌خواهی در ذهنیت اجتماعی می‌پروراند، رونق نیافت، و چرا با تحرکی که در دوره جنبش در نشر ایجاد شده بود، هیچ تناسبی نداشت. بررسی‌های کتاب‌شناختی هم نشان می‌دهد که نشر در دوره محمدعلی‌شاه (۱۳۲۴-۱۳۲۷ ق / ۱۹۰۶-۱۹۰۹ م)، مقارن با نیمه دوم دهه آغازین سده ۲۰،

۱. برای وصفی درباره این دوره پر وحشت و دهشت، نک: تفرشی حسینی، احمد، روزنامه اخبار مشروطیت و انقلاب ایران (تهران، ۱۳۸۶). رویدادهای وصف شده در این کتاب به قلم نویسنده‌ای ناشناخته است. در سایر کتاب‌های مربوط به تاریخ مشروطه ایران و در خاطرات رهبران و سران مشروطه از دوره حکومت وحشت محمدعلی‌میرزا، تصویرهای گویایی از استبداد کور و سیاه می‌توان یافت. دوره استبداد صغیر، به‌ویژه برای همه کسانی که طعم آزادی را با پیروزی انقلاب مشروطه خوب چشیده بودند. دوره سهمگینی بود. معروف است که موی سیاه علی‌اکبر دهخدا در شبی شوم و سیاه تا صبح سفید شد، شبی که او همراه با مخالفان دیگر استبداد، در جایی پناه گرفته بودند.

با رکودی نزدیک به توقف روبه‌رو شده بود.

پس از پیروزی انقلاب مشروطیت، در انتخابات نمایندگان دوره اول مجلس شورا، که به صورت صنفی برگزار می‌شد، میرزامحمود، کتابفروش خوانساری، به عنوان نماینده صنف صحاف، مُذْهَب، کاغذ فروش، و کتابفروش انتخاب شد.^۱

در میان صنف‌ها، از صنفی به نام نشر، یا چاپ، یا چاپ‌ونشر، نامی برده نشده است. در مقایسه با صنف تاجران قماش و قند، برای مثال، بسیاری از فعالیت‌ها به منزله خرده‌صنف‌هایی به شمار می‌آمدند که می‌توانستند آنها را در دل صنف‌های گسترده‌تری، یا شاید هم با اهمیت‌تری، جای دهند. با توجه به شمار باسوادان، در اقتصاد بازار عصر مشروطیت، نشر و تکثیر چاپی، رقم عمده‌ای را تشکیل نمی‌داد. میرزامحمود کتاب فروش خوانساری، تاجر سرشناس و محترمی در بازار بود که می‌توانست چندین صنف را نمایندگی کند. در تجارت و فروش کتاب، خوانساری‌های مقیم تهران سرشناس بودند، و آن عده‌ای که به قصد این تجارت به تهران آمدند، به تدریج در محیط فرهنگی پایتخت فعالیت‌های خود را گسترش دادند، و واردات کتاب از هند و عثمانی و مصر، و چاپ و نشر کتاب را بر پیشه خود افزودند. میرزا علی‌اکبر خوانساری که نخست در خوانسار به کتابفروشی اشتغال داشت، به تهران آمد و در تیمچه حاجب‌الدوله در بازار سرپوشیده تهران، که نخستین محل تمرکز کتابفروشان و ناشران در پایتخت بود، حجره‌ای گرفت و به کتابفروشی مشغول شد. او نیای خاندانی از ناشران، کتاب فروشان، چاپ‌گران و پخش‌گران است که بعدها به «علمی» معروف شدند و چندین نسل از این خاندان خوانساری‌تبار از عصر ناصری تاکنون، و البته با نگرش‌ها، منش‌ها، روش‌ها و تأثیرگذاری‌های متفاوت، با انواع مشاغل مربوط به کتاب سر و کار داشته‌اند (در مقاله‌های بعدی به تأثیرگذاران این خاندان در عرصه نشر کتاب در ایران اشاره خواهد شد). حاج محمد اسماعیل، پسر میرزا علی‌اکبر خوانساری، دستگاه چاپ سنگی را از مشهد خرید و به تهران، در کوچه حاجی‌نایب در خیابان ناصریه (ناصر خسرو کنونی) انتقال داد و چاپ و نشر را بر فعالیت پدر افزود. حاج محمد رحیم خوانساری، جد خاندان اقبال‌ها، نشر و چاپ‌گری را بر فعالیت کتابفروشی افزود، و چند نسل از این خاندان خوانساری، حرفه نیای خود را دنبال کردند که از میان آنها جواد اقبال ناشر فعال‌تری از کار درآمد و چندگاهی هم رئیس اتحادیه ناشران و کتابفروشان بود (به جایگاه نشر اقبال در تاریخ نشر ایران هم بعداً اشاره خواهد شد). حاج محمد مهدی خوانساری، نیای خاندان کتابچی‌ها، خوانساری دیگری بود که کتابفروشی خود را گسترش داد و نشر را بر آن افزود.

حاج شیخ محمد خوانساری، حاج میرزا محمد خوانساری، حاج شیخ محمد حسین خوانساری از دیگر خوانساری‌های فعال در عرصه کتابفروشی و نشر بودند که در تیمچه

۱. شجیعی، زهرا، نمایندگان مجلس شورای ملی در بیست و یک دوره قانونگذاری (تهران، ۱۳۴۴)، ص ۳۲۲.

حاجب‌الدوله فعالیت می‌کردند.^۱ در منابعی که جست‌وجو و گریخته به خوانساریان کتابفروش و ناشر در بازار تهران اشاره شده، از فضل دوستی، درستکاری، امان‌داری و حسن شهرت آنان هم به نیکی یاد شده است.

(ادامه مطلب در شماره بعد)

۱. درباره اینکه چرا خوانساری‌ها این نقش با اهمیت را در تاریخ کتابفروشی، نشر و فعالیت‌های پیوسته به آن داشته‌اند، گمانه‌زنی‌هایی شده است، اما به سبب نبودن اسناد و اطلاعات کافی، فعلاً نمی‌توان فرضیه پژوهشی قابل اتکالی از آنها بیرون کشید. متأسفانه ناشران ما به نوشتن خاطرات، به‌ویژه خاطرات فرهنگی در زمینه نشر و یادداشت روزانه عادت نداشته‌اند و ندارند. حتی شماری از آنان، تنی چند از تأثیرگذارترینشان، اگر به سان عبدالرحیم جعفری، بنیادگذار و سازمان‌دهنده موسسه انتشارات امیرکبیر، آنچه درباره نشر در ذهن داشتند، به قلم می‌آوردند یا نزد اهل فن بازگو می‌کردند، تاریخ نشر در ایران با این همه خلأ و ابهام روبه‌رو نبود. شنیده‌ام که از چند ناشر در گذشته یادداشت‌هایی باقی است، اما از چندوچون دقیق آنها اطلاعی ندارم. پژوهشی مستقل درباره خوانساریانی که نشر ایران را متحول کرده‌اند، بر پایه اطلاعات منتشر نشده، اما موجود در خاندان‌های آنها بسیار ضروری است. امیدوارم پژوهش‌گری جوان و نشردوست آستین همت بالا بزند و این خلأ پژوهشی را پر کند. اصغرعلمی، مدیر انتشارات سخن، کوششی را برای شناسایی اعضای خاندان خود آغاز کرده است، اما در این کوشش او سهم اعضا در نشر تا کجا و تا چه حد آشکار خواهد شد، نکته‌ای است که برینده مجهول است. در ۱۳۵۲ که دانشجوی بودم، همکارم و من برای کاری پژوهشی در زمینه مسائل و مشکلات نشر ایران، به چند تن از ناشران بزرگ مراجعه کردیم که شادروان جواد اقبال، هم به عنوان ناشر و هم در مقام رئیس صنف، از جمله آنان بود. او در آن زمان در اوج موفقیت‌های خود بود. در گفت‌وگو، درباره پیشینه خاندان خوانساریش، از مرحوم پدرش، و از کارهای سترگ خوانساریان سخن گفت. بنده در آن زمان قوه لازم تشخیص را نداشتم و این گفته‌ها را به خویش‌نستایی، خاندان‌پرستی و تعصب‌های ولایتی و صنفی حمل می‌کردم. متأسفانه گفته‌های ایشان را ضبط نکردیم و فقط یادداشتی سردستی برداشتیم. البته فضای سیاست‌زده آن زمان هم در داوری‌های نسل جوان کم اطلاع و بی‌تجربه‌ای که بنده هم جزوش بودم، بیش از عامل‌های دیگر مؤثر بود. شادروان جواد اقبال مختصری از اطلاعات خانوادگی خود را در مقاله کوتاهی نوشته است که با این حال حاوی آگاهی‌های سودمندی است. نک: اقبال، جواد، «کتابفروشی»، در کتاب کتابفروشی، به خواستاری ایرج افشار (تهران، ۱۳۸۳)، ج ۱، ص ۹۶-۱۰۲، اطلاعات دیگری هم در این منبع آمده است:

میرمحمدی، حمیدرضا، جغرافیای خوانسار، (قم، ۱۳۷۸)، ص ۱۵۷-۱۵۸.

محسن بخشی، مدیر نشر آگاه، از کتابفروشان و ناشران با سابقه که خونساری است، در گفت‌وگوی اخیرش با مجله صنعت نشر (ش بهار ۱۳۸۹) به کتابفروشان و ناشران خونساری اشاره‌ای دارد. امیدوارم اگر اطلاعات بیشتری در خاطره دارد، بیشتر بگوید و بیشتر بنویسد.